

Justice Box (sanduq-i adalat); the Continuity of Tradition or the Facilitator of Modernity

Ali Golmohammadi¹

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Abstract:

Purpose: The establishment of the so-called Justice Box (Persian =sanduq-i adalat) by Nasir al-Din Shah Qajar (1831 –1896) is discussed as an ingenious device in line with the Iranian tradition of a benevolent tyrant. The king's concern for justice in the absence of a justice system led him revive the classic image of a just king for himself. The initiative meant that he personally was supposed to be in direct contact with his subjects and oversee the process of addressing disputes brought to the court.

Method and Research Design: Data for this study is gathered mainly from archival records reporting the establishment and performance of the Justice Box.

Findings and Conclusion: The king's emphasis was to earn the symbolic image of a just king, thus enhancing his legitimacy. A secular court hence paved the way for later demand for a secular justice system that turned to be the main driving force of the 1906 Constitutional Revolution in Iran.

Keywords:

Petition box, Justice Box (sanduq-i adalat), Nasir al-Din Shah Qajar, Iran Constitution Revolution

1. Assistant Professor of History,
University of Tehran, Faculty of World
Studies, Tehran, I. R. Iran.

Golmohammadia@ut.ac.ir

Copyright © 2017-2018, NLAI (National
Library & Archives of I. R. Iran). This is an
Open Access article distributed under the
terms of the Creative Commons Attribution
4.0 International, which permits others to
download this work, share it with others and
adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«111»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/ganj.2018.2299

Indexed by ISC, SID & Iran Journal | Vol. 28, No. 3, Autumn 2018 | pp: 94-116 (23)

Received: 27, Aug. 2017 | Accepted: 18, Dec. 2017

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیمی

صندوق عدالت؛ تداوم سنت یا زمینه‌ساز تجدد

علی گل محمدی^۱

چکیده:

هدف: ابتکار ناصرالدین شاه قاجار در تأسیس «صندوق عدالت» نوعی نوآوری در سنت دیرینه شاهان ایرانی مَعدلت‌شعار از پیش از اسلام تا عصر قاجار بود. میزان عزم شاه در تأسیس این صندوق و تأکید او بر وجه نمادین و ابزاری این اقدام ابتکاری برای ارتباط بی‌واسطه با رعایا، و میزان کامیابی او در دادرسی به مظالم، و زمینه‌سازی برای اقتباس نهادهای نوین مرتبط در عصر مدرن، از اهداف این پژوهش است. **روش/ رویکرد پژوهش:** بخش عمده این پژوهش با استناد به دست‌نوشته‌ها و اسناد مربوط به تأسیس و گزارش عملکرد صندوق عدالت به روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای و با استفاده از اسناد و مدارک آرشیوی انجام شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: تأکید ناصرالدین شاه بر وجه نمادین عدالت‌پناهی حاکم و تأمین مشروعیت به‌جای عدالت‌گستری با آگاهی او از سنت ایرانی-اسلامی شاه عادل، و اختلال ایجادشده توسط صندوق و نظام ناکارآمد جایگزین آن در کارایی نهاد مدرن پارلمان، ازجمله یافته‌های این پژوهش است.

کلیدواژه‌ها:

صندوق عدالت؛ صندوق عرایض؛ ناصرالدین شاه قاجار؛ چرخه عدالت؛ مشروطه.

۱. استادیار دانشکده مطالعات جهان دانشگاه

تهران، تهران، ایران

Golmohammadi@ut.ac.ir



گنجینه اسناد

«۱۱۱»

فصلنامه علمی-پژوهشی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا(چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا(الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): 10.22034/ganj.2018.2299

نماینه در ISC، SID و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۲۸، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۷ | صص: ۹۴-۱۱۶ (۲۳)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۵ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۷

مقدمه

«صندوق عدالت» شکلی جدید و کارآمدتر از روش‌های تاریخی ارتباطی واسطه‌شاه با رعایا بود که در پی اجرای برخی اصلاحات و در چارچوب سنت رایج عدالت‌خواهی شاهان ایرانی، به ابتکار ناصرالدین‌شاه قاجار تأسیس شد. افزایش نارضایتی رعایا از ستمکاری والیان و صاحب‌منصبان حکومتی، عمده‌ترین دلیلی بود که شاه قاجار را واداشت تا در رویارویی با بحران‌های پیش‌رو، راه فرونشاندن نارضایتی‌های عمومی را در به‌کارگیری نهادی بومی و در راستای تحقق عدالت ببیند؛ ولی دستیابی به این مهم به دلیل شخصیت مستبد شاه قاجار و نداشتن اراده لازم برای برخورد با استبداد، و همچنین برخی مقاومت‌های والیان متنفذ و حکمرانان منصوب شاه در برابر عدالت‌محلی تأمل بود؛ علاوه بر این، در نظر شاه وجه نمادین معدلت‌پناهی، مهم‌تر از اجرای عدالت واقعی بود.

پرسش پژوهش

۱. به‌کارگیری صندوق عرایض تا چه میزان در اجرای سنت عدالت‌خواهی و پاسخگویی به بحران‌های پیش‌رو مؤثر بوده است؟
 ۲. آیا به‌کارگیری این صندوق تدویم سنت عدالت‌گستری شخص حاکم بوده یا عملکرد آن در زمینه‌سازی برای پذیرش نهادهای مدرن -از جمله پارلمان- هم مؤثر بوده است؟
- باتوجه به تعارض عدالت‌خواهی با خصلت استبدادی شاه قاجار و والیان منصوب او، به نظر می‌رسد آنچه نزد شاه بیش از اجرای عدالت اهمیت داشته است نمایش وجه نمادین شاه عادل و تأمین مشروعیت بوده باشد.
- تأثیرات منفی یا مثبت صندوق عرایض بر عملکرد یا تأسیس یک نهاد اکتباسی مدرن همچون پارلمان می‌تواند مصداقی در تبیین بخشی از زمینه‌های تاریخی توسعه با مفهوم مدنظر مکتب نوسازی^۱ باشد. مطالعات کلاسیک این مکتب برخلاف مطالعات جدید آن، برای برخی از نهادهای سنتی نقشی سودمند و تسهیل‌کننده در راستای نوسازی قائل است (So, ۱۹۹۰, p۶۱). دست‌کم ایفای نقش مثبت صندوق عرایض در زمینه‌سازی ذهنی برای اخذ نهاد مدرن پارلمان، در ژاپن موضوعی پذیرفته شده است.^۲ این پژوهش بر آن است تا با بررسی بخشی از اطلاعات تاریخی مربوط به سازوکار و کارکرد صندوق عدالت در تهران و برخی از ولایات و گزارش عرایض واصله و فرمان‌ها و پیگیری‌های شخص شاه، پیامدهای مثبت یا منفی به‌کارگیری این صندوق را به‌ویژه در ارتباط با رویکرد مردم درباره کارکرد نهادی مدرن همچون پارلمان بررسی کند. این بررسی تاریخی به‌دلیل کمبود پژوهش‌های مستقل، به‌طور عمده با بهره‌گیری از اسناد و دست‌نوشته‌های دوره قاجار و مطالعه کتاب‌های تاریخی میسر شد؛ این موضوع نبودن این پژوهش را نشان می‌دهد.

1. Modernization School

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به مقاله مولف: گل محمدی، علی. (۱۳۹۶). «نقش صندوق عرایض در عرصه سیاستگذاری ژاپن پیشامدرن». سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۰۱-۷۹.



تاریخ و مکان نصب صندوق عرایض ۱. تاریخ

صندوق عرایض در واقع تداوم نهادی بومی با پیشینه‌ای دیرینه در تاریخ ایران، در قالبی جدید بود که به رسمی رایج در حکومت‌داری قاجار تبدیل شد. تأسیس «صندوق عدالت» از جمله اقدامات اصلاحی و ابداعی ناصرالدین شاه (۱۲۱۰-۱۲۷۵/ش/۱۸۳۱-۱۸۹۶م) چهارمین پادشاه خاندان قاجار بود. درباره تاریخ تأسیس این صندوق، منابع موجود با یک دهه اختلاف از دو تاریخ ۱۲۸۱ق/۱۸۶۴م و ۱۲۹۱ق/۱۸۷۴م یاد می‌کنند. برخی پژوهش‌گران با دسترسی به نزدیک‌ترین منبع موجود، به‌طور سهوی تاریخ متأخر را زمان نصب صندوق دانسته‌اند. لُرد کُرزن اقدام ناصرالدین شاه در نصب صندوق را نتیجه «سفر نخست او به فرنگ» و «تقلیدی ناآگاهانه از سنتی در ونیز قدیم» می‌داند که مردم با قراردادن عرایضشان در دهان مجسمه شیرینی سنگی، خطاب به هیئت ده‌گانه حکومتی عرض حال می‌کردند (Curzon, 1892, p465). با فرض صحت ادعای کُرزن، شاه باید پس از بازگشت از سفر فرنگ در سال ۱۲۹۰ق/۱۸۷۳م (اعتمادالسلطنه، ۱۲۹۵، ج ۳، ص ۳۳۱) یعنی در سال ۱۲۹۱ق/۱۸۷۴م فرمان نصب صندوق را داده باشد؛ گرچه کُرزن صراحتاً این تاریخ را اعلام نکرده‌است. در واقع، مستند کسانی که این تاریخ را سال تأسیس صندوق ذکر کرده‌اند، دو فرمان متفاوت از شاه قاجار با فاصله‌ای یازده‌ماهه است. برخی فقط با استناد به متن فرمان شاه برای تأسیس صندوق عدالت در ضمیمه روزنامه *ایران* چاپ محرم ۱۲۹۱ق - پس از بازگشت شاه از نخستین سفر اروپایی - (ورهام، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳ و (Ettehadieh (Nezam-Mafi), 1989, p52) تاریخ ۱۲۹۱ق/۱۸۷۴م را زمان نصب صندوق دانسته‌اند (دامغانی، ۱۳۵۷، صص ۹۸-۹۹)؛ ولی ویلم فلور تاریخ تأسیس صندوق را سال ۱۲۸۱ق/۱۸۶۴م می‌داند؛ هرچند به‌اشتباه، فرمان انتصاب عضدالملک را به ریاست این صندوق در ۸ ذی‌حجه الحرام ۱۲۹۱ق/۱۶ ژانویه ۱۸۷۵م، مستند ادعای خود قرار می‌دهد (Floor, 1983, p122) و بعدها تاریخ این فرمان، مستند دیگران نیز قرار می‌گیرد (هاشمیان، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵). استناد به فرمان متأخر - شاه در محرم ۱۲۹۱ق/فوریه ۱۸۷۴م مبنی بر نصب صندوق عدالت در میدان ارگ تهران علت اعلام این تاریخ به‌عنوان تاریخ تأسیس صندوق است (ورهام، ۱۳۸۵، ص ۲۴۳؛ طلابی، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

ولی در حال، با استناد به نوشته‌های اعتمادالسلطنه (اعتمادالسلطنه، ۱۲۹۵ق، ج ۳، ص ۳۲؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۰ق، ج ۳، ص ۲۸۹) و همچنین متن فرمان ناصرالدین شاه درباره تأسیس صندوق عدالت (*روزنامه دولت علیّه ایران*، شماره ۵۶۲، ۱۲۸۱ق، نقل از فلور و بنانی، ۱۳۸۸، صص ۴۱-۴۲) و سند دستخط فرمان ناصرالدین شاه مبنی بر نصب صندوق در میدان ارگ تهران (ساکما، ۲۹۵/۵۱۳۹) و اسناد دست‌نویس مکاتبات مربوط به این نهاد، تاریخ تأسیس آن را باید سال ۱۲۸۱ق/۱۸۶۴م دانست. گزارشی به تاریخ ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۲۸۱/

۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴م نیز این گزینه را تأیید می‌کند. گزارش یادشده به جلسه‌ای برای ابلاغ حکم شاه و معارفه بهاءالملک به‌عنوان رئیس دیوان‌خانه و همچنین صندوق عدالت به‌عنوان بخشی از وظایفش اشاره دارد (ساکما، ۲۹۵/۵۳۷۳). تردید اشنایدر در درستی سال ۱۲۹۱ق/۱۸۷۴م به‌عنوان تاریخ تأسیس صندوق و ذکر «نصب (دوباره) صندوق عدالت در تهران» نیز می‌تواند به‌همین دلیل باشد (Schneider, 2006, p37).

برخلاف کُرزن که اقدام شاه را تقلیدی ناآگاهانه از غرب دانسته، مستوفی آن را «ماشین عدالتی» توصیف کرده که «از اختراعات خود ناصرالدین شاه» بوده است (مستوفی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷). به این ترتیب، اثبات نصب صندوق عرایض پیش از سفر اروپایی شاه، رافع شائبه تقلیدی بودن این کار و تأکید بر خاستگاه بومی آن است؛ چون نفس برقراری ارتباط مستقیم با رعایا در اشکال گوناگونی غیر از صندوق هم، پیشینه‌ای دورودراز در تاریخ ایران دارد و شاهان و حاکمان ایران بر این موضوع واقف بوده‌اند.

۲. مکان

صندوق عدالت ناصری جعبه چوبی چهارگوش و متوسطی بود که کیف عرایض داخل آن قرار داشت (کیا، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱). این صندوق چوبی، قفلی مهرشده و منفذی برای انداختن عرایض داشت (ضمیمه روزنامه ایران، محرم ۱۲۹۱ق، نقل از وره‌رام، ۱۳۸۵، صص ۳۴۳-۳۴۴).

مطابق فرمان شاه، مکانی خاص از پایتخت برای نصب صندوق در نظر گرفته شد و برای گردآوری و طرح عرایض در حضور شاه زمان‌هایی مشخص تعیین شد. ناصرالدین شاه فرمان داد تا «صندوق عدالت در میدان ارک نصب شود. استاد حیدرعلی آمده زود بسازد، دستورالعمل بدهم چطور بسازد. قراول یک نفر یاور توپخانه هفته [ای] دو بار روز جمعه و دوشنبه عرایض را بیرون بیاورند و به حضور برسانند. در روزنامه چه هم چاپ شود که مردم بدانند و چاپ شود که عرض دروغ، بی‌معنی یا عرایض ول اگر بشود، صاحبش سیاست خواهد شد...» (ساکما، ۲۹۵/۵۱۳۹). طبق دستور، صندوق همراه با نگهبان در آن محل نصب شد. همه می‌توانستند همه‌روزه از صبح تا سه ساعت از شب گذشته، هر نوع عریضه‌ای را با آرامش و بدون نیاز به پرداخت رشوه به صندوق بیندازند. مجازات رشوه‌گیری نگهبان صندوق، اعدام تعیین شده بود. فرد امین شاه، روزهای جمعه و دوشنبه عرایض مهرشده را بدون مطالعه آن‌ها به حضور شاه می‌برد تا احکامشان صادر شود (ضمیمه روزنامه ایران، ۱۲۹۱ق، نقل از وره‌رام، ۱۳۸۵، صص ۳۴۳-۳۴۴).

علاوه بر تهران، نصب صندوق در سایر ولایات نیز مدنظر بود. باید توجه داشت که



والیان ولایات مختلف ایران با وجود انتصاب مستقیم از سوی شاه، در برابر فرمان او برای نصب «صندوق عدالت» گردنکشی می‌کردند. گزارش‌های خفیه‌نویسی ایرانی-بریتانیایی که در خدمت دولت انگلیس بود، از نصب صندوق در سال ۱۲۹۱ق/۱۸۷۷م در مسجد وکیل شیراز به همراه یک قراول حکایت می‌کند. هرچند در آغاز، نواب والا [حسام‌السلطنه]، والی فارس، به بهانه مختل شدن امر حکومت در این ولایت از اجرای فرمان شاه استتکاف می‌کرد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲، ص ۱۳). همچنین در دور دوم نصب صندوق پس از سال ۱۲۹۱ق، او (آن شخص خفیه‌نویس) در برخی از گزارش‌های موجود درباره عرایض صندوق در دیگر ولایات خبر می‌دهد. البته در این دوره با وجود نصب صندوق، برای پیگیری سریع‌تر عرایض بی‌پاسخ‌مانده صندوق تا زمان جایگزینی نظامی جدید به جای صندوق، استفاده از تلگراف هم به لطف دسترسی به فناوری متداول شده بود.

اهداف و روال کار صندوق

۱. اهداف

شاه در اعلانیه دولتی سال ۱۲۹۱ق، عمده اهداف خود را از تأسیس صندوق، آسودگی مردم، گسترش عدل و اجرای حق به عنوان عوامل اصلی دوام سلطنت ذکر می‌کند و از احتمال نقص در انتقال دقیق مطالب شفاهی و مکتوب به دست واسطه‌ها به عنوان دلیل تأسیس نهادی برای انتقال مستقیم پیام‌ها یاد می‌کند (ضمیمه روزنامه ایران، محرم ۱۲۹۱ق، نقل از وره‌رام، ۱۳۸۵، صص ۳۴۳-۳۴۴). شاه در رمضان ۱۲۹۱ق در نامه‌ای به عمویش عضدالدوله [سلطان احمد میرزا] حکمران قزوین می‌نویسد که هدف اصلی از [باز]نصب صندوق، «ادای تکلیف سلطنت» است تا از این طریق «بی‌واسطه حال رعیت را بدانیم و در حفظ حقوق ضعفای مملکت که به عرض حالت خود دسترس نداشتند، شرط نگرهبانی و نگهداری مرعی^۱ فرموده باشیم...» و مقامات حکومتی و کارگزاران نیز باید به پیروی از او «به شیوه عدل و داد تأسی کنند» تا مشکلات مردم حل و زورگویی و رفتار ظالمانه با ایشان منسوخ شود. شاه همچنین هشدار می‌دهد که در صورت مشاهده کوچک‌ترین سهل‌انگاری و بهانه‌تراشی در انجام این وظیفه، مأموران مستقل و سخت‌گیری را اعزام خواهد کرد تا به‌طور مستقیم با اجرای احکام، داد مظلومان را بستانند. او در پایان، صدور این نامه را «اتمام حجت» قلمداد می‌کند (ساکما، ۲۹۶/۴۶۶). به‌طور کلی آنچه از منویات^۲ و فرمایشات شاه در تأکید بر اهداف تأسیس صندوق عدالت آشکار می‌شود این است که این دادگستری در راستای انجام وظایف مرتبط با سلطنت بوده است. ابتکار به کارگیری صندوق عدالت در راستای انجام این وظیفه نه تنها نشانه آگاهی شخص ناصرالدین شاه از رسم دیرینه عدالت‌پیشگی شاهان ایرانی در مقبولیت‌بخشیدن به

۱. مرعی [mar'i/y]: رعایت؛ مراعات؛ آنچه در نظر گرفته شود و مراعات شود؛ مراعات‌شده.
۲. نیات؛ اهداف.



نظام سلطنت بوده است؛ بلکه این آگاهی را در بیان بزرگان و صاحب‌منصبان نیز به‌هنگام تمجید از شخص شاه، می‌توان دید.

حاج ملا محمدصادق قمی از فقهای بانفوذ دوره قاجار و مورد توجه ناصرالدین شاه با تمجید از اقدامات عدالت‌خواهانه شاه و نصب صندوق عدالت در ولایات، از رفتار ظالمانه صاحب‌منصبان دولتی به شدت انتقاد می‌کند و به‌جز شاه، اطرافیانش را کسانی توصیف می‌کند که «غالباً غیر از ظلم پیشه‌ای ندارند» (مدرس طباطبایی، ۱۳۵۳، صص ۲۱۴-۲۱۵). او همچنین شاه را با وجود این همه عمال فاسد حکومتی در اطرافش عادل‌تر از انوشیروان و پناه مردم می‌داند (مدرس طباطبایی، ۱۳۵۳، ص ۲۱۷). اعتمادالسلطنه صندوق عدالت را به «زنجیر عدل انوشیروان» تشبیه و آن را وسیله‌ای برای دادخواهی همگان توصیف می‌کند (اعتمادالسلطنه، بی‌تا، ص ۷۰). افرادی با تمجید از اقدام شاه در نصب صندوق عدالت، این کار را با نمونه‌های تاریخی دیگر در ایران و اسلام مقایسه می‌کردند. یکی از آن‌ها در نامه‌ای ضمن ستایش از شاه به دلیل نصب صندوق مدعی می‌شود که جز نصب زنجیر عدل توسط انوشیروان دادگر برای دادخواهی رعایا، فرد دیگری در طول تاریخ به چنین اقدامی دست نزده بود. او حدیثی از پیامبر (ص) ذکر می‌کند که با افتخار، ولادت خود را در زمان حکومت این پادشاه عادل دانسته‌اند^۱ و همچنین با استناد به حدیث دیگری منسوب به امام علی (ع) مبنی بر تضمین ثبات سلطنت با دادگری^۲، این اقدام را تدبیری شایسته در اوضاع آشفته مملکت می‌داند که موجب دوام سلطنت خواهد شد. این شخص در انتهای نامه، تقاضای خود را از شاه برای تفویض مقام مباشرت صندوق عدالت [همدان] به خودش مطرح می‌کند (ساکما، ۱۷۸۹/۲۹۵، صص ۳-۴). صاحب‌منصبی در طریق تمجید یک گام فراتر می‌نهد و صندوق عدالت تهران را بهتر از زنجیر عدل انوشیروانی توصیف می‌کند (ساکما، ۱۹۲۹/۲۹۵) و فرد دیگری نیز در مدح این اقدام شاه، با استناد به قول معروف حکما و عرفا «الطُّرُقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ»^۳ خاطر نشان می‌کند که بهترین راه برای ارتباط‌گیری با تمامی گروه‌های رعایا، همین تدبیر شاه در وضع صندوق عدالت است (ساکما، ۵۱۶۹/۲۹۵).

شاه نارضایتی خود را از عملکرد نظام قضایی در اجرای عدالت، در قالب برخی اصلاحات از جمله جایگزینی «صندوق عدالت» به جای «دیوان مظالم» نشان می‌دهد. در واقع، ناکارآمدی نظام قضایی شاه را به انجام اصلاحات گوناگون سیاسی در این نظام واداشت. به‌کارگیری عناوینی همچون مظالم (جمع مظلومه، هم‌معنای بیدادگری‌ها) در برابر واژه عدالت، از تأکید شاه بر عدالت و نوع قضاوتش درباره نهادهای وقت نشان داشت و همچنین آگاهی او را از خاستگاه و اهمیت رسم ایرانی-اسلامی عدالت، و تلاش برای

۱. «إِنِّي وُلِدْتُ فِي زَمَنِ مَلِكِ الْعَادِلِ»: من در روزگار پادشاهی دادگر تولد یافتم.
 ۲. «ثَبَاتُ الْمُلْكِ بِالْعَدْلِ»: پایداری حکومت به دادگری است.
 ۳. راه‌های رسیدن به خدا، به تعداد تک تک مخلوقات است.



مشروعیت‌بخشی به سلطنت می‌رساند؛ رسمی که در فرهنگ و تاریخ اسلامی ریشه داشت (Schneider, 2006, p25). برقراری تماس بی‌واسطه میان رعایا و شاه، از جمله اهدافی بود که ناصرالدین‌شاه با اجرای اشکال گوناگونی از نظام دادخواهی از جمله دادن بارعام، تأسیس صندوق عدالت و تشکیل مجلس تحقیق مظالم در راستای تحقق آن تلاش می‌کرد. گذر زمان و در نتیجه پیشرفت فناوری، در دگرگونی قالب‌های این نظام دادخواهی تأثیرگذار بوده‌است. به‌دراز کشیدن، ملال‌آور شدن و ناکارآمدی بارعام‌های شاه در روزهای یکشنبه که بیشتر هم شامل حال اهالی پایتخت می‌شد، می‌توانست عاملی مؤثر در ایجاد اندیشه‌ی تأسیس صندوق عدالت باشد.

یازده ماه پس از [باز]نصب صندوق، شاه با بیان نداشتن آسودگی خاطر از رفع ظلم از عارضان و یادآوری حسن اعتماد به دایی خود، عضدالملک، او را به ریاست صندوق عرایض منصوب کرد. شاه اکثر عرایض را درخواست کمک، شغل و شکایات قدیمی می‌داند که نشانه نبود آزادی برای طرح ظلم و ستم مقامات است. او از مأموران می‌خواهد در حدی که مداخله در امور حکومتی ولایات نباشد، آزادی صندوق‌ها را تأمین کنند (روزنامه ایران، ش ۲۴۳، یکشنبه ۱۵ ذی‌حجه الحرام ۱۲۹۱ق). فارغ از تماس مستقیم و بی‌واسطه که از طریق صندوق عرایض میسر می‌شد، نفس تسریع در روند رسیدگی به دادخواست‌ها نیز در طرح صندوق عرایض اهمیت داشت؛ بنابراین، از جمله اهداف نهاد صندوق، ایجاد مسیری ویژه و در واقع برقراری تماس مستقیم با عارضان بود؛ ولی انباشت حجم زیادی از دعوی موجب نگرانی شده بود. از این‌رو در مکاتبات مسئولان صندوق عدالت راهکارهایی گوناگون برای تسریع در این موضوع عرضه شد.

۲. شروط عرایض و روند رسیدگی به آن‌ها

نام‌نشان‌دار بودن دادخواست‌ها از جمله شروط صندوق عرایض بود و مراعات نکردن آن، مجازات در پی داشت. یک ماه پس از [باز]نصب صندوق در ربیع‌الاول ۱۲۹۱ق، سیل نامه‌های بی‌امضا، تقاضای مساعدت، شوخی، فحش و ناسزا و یا به تعبیر شاه «عرایض ول» باعث چاپ اعلان دیگری شد. در این اعلان، ضمن هشدار درباره مجازات افراد طمّاع و بیکاری که با طرح عرایض بیهوده موجب اخلال در رسیدگی به عرایض اصلی می‌شوند یا درخواست مستمری و قصد تکدی‌گری دارند، به درخواست‌دهندگان که از ترس والیان خود به‌طور ناشناس عریضه می‌دهند، اطمینان داده شد که فلسفه نصب صندوق طرح آزادانه شکایات است و فردی که خود را مُحِق بداند، باید برای اثبات ادعایش حضور یابد؛ مگر آنکه اغراض شخصی باعث طرح عرایض به‌طور ناشناس باشد که شاه آن را



بی‌ثمر می‌داند (روزنامه وقایع اتفاقیه، ربیع‌الاول ۱۲۹۱ق، نقل از وره‌رام، ۱۳۸۵، صص ۳۴۵-۳۴۶).

هرچند در میزان کارآمدی صندوق عدالت و ایجاد برخی موانع از سوی فرادستان در راه طرح آزادانه عرایض فرودستان، تردید وجود دارد، ولی به‌نظر می‌رسد که ادعای کسانی همچون لرد کُرزن مبنی بر خالی بودن همیشگی صندوق و آسودگی خیال شاه (Curzon, 1892, p465) هم خالی از اغراق نباشد. در همین راستا، بخشی از ادعای مخبرالسلطنه هدایت مبنی بر طرح عرایض بی‌محتوا، مؤید صدور این اعلان هشدارآمیز شاه است؛ ولی بخش دیگر آن که توقف زود هنگام فعالیت صندوق‌ها را به دلیل طرح اراجیف بسیار از جانب اراذل و اوباش (هدایت، ۱۳۶۳، ص ۷۵) می‌داند، محل تردید است؛ چون مطابق اسناد موجود، عرایض و شکایات بسیاری از این طریق طرح و رسیدگی شده‌است. طبق نسخه خطی شماره ۱۶۵۷۸ ثبت شده در مخزن خطی^۱، این صندوق تا رجب ۱۳۰۵ق/مارس ۱۸۸۸م فعال بوده‌است (طلایی، ۱۳۸۳، ص ۴۰).

فرایند کلی گردآوری، قرائت و رسیدگی به عرایض صندوق شیوه‌ای خاص داشت. شاه در پی حصول اطمینان از کارآمدی این نهاد و رسیدگی عاجل به عرایض بود. او از این نکته آگاهی یافته بود که خواسته بیشتر عریضه‌دهندگان دریافت کمک‌های مالی، گرفتن مقرری یا طرح دعوای قدیمی است و عارضان، فاقد آزادی کافی برای شکایت از ستم مقام‌های بالادست هستند. ارسال ماهی دو بار عرایض ولایات برای جلوگیری از انباشت آن‌ها، بازکردن عرایض توسط عضدالملک در حضور شاه و دسته‌بندی آن‌ها برحسب موضوعات مربوط به شاه یا دفتر عریضه‌جات، نگارش چکیده عرایض در پشت آن‌ها برای ثبت و اجرای آن‌ها، رسیدگی سریع به عرایض مربوط به وزارتخانه‌ها و مقام‌های حاضر در پایتخت، دریافت نکردن وجه برای حکم صادره، دقت در انتخاب مأموران امین از جمله موارد ذکر شده در نامه انتصاب عضدالملک، دایمی شاه، به ریاست صندوق عدالت است (روزنامه ایران، ش ۲۴۳، یکشنبه ۱۵ ذی‌حجه الحرام ۱۲۹۱ق).

همچنین طرح عرایض بیهوده، طرح دعاوی قدیمی و دادن نسبت دروغ در شکایات که مجازاتش مرگ تعیین شده بود از دیگر موارد ممنوعه در فرمان شاه برای تأسیس صندوق عدالت بود (ضمیمه روزنامه ایران، محرم ۱۲۹۱ق، نقل از وره‌رام، ۱۳۸۵، صص ۳۴۳-۳۴۴).

از سوی دیگر، مستنکردن دعاوی مدنی و شخصی از عرایض مجاز در صندوق عدالت ناصری، نشانگر آن است که تأسیس و نصب این صندوق در اصل با هدف تأمین مقاصد سیاسی-اجتماعی و آگاهی از شیوه حکمرانی والیان و کنترل اوضاع انجام شده

۱. گنجینه نسخه‌های خطی کتابخانه آستان قدس رضوی



بود. بنابه ادعای مستوفی، رسیدگی به دعاوی مدنی و کیفری در حوزه صلاحیت صندوق عدالت نبود (مستوفی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۷؛ امین، ۱۳۸۲، ص ۵۵).

پیامدهای تأسیس صندوق

پیش تر گفته شد که برای شاه قاجار این موضوع بسیار اهمیت داشت که در نظر رعایا، یگانه منشأ عدالت و دادگستری شناخته شود. فراهم ساختن ارتباط مستقیم میان رعایا و شاه در هر زمان و مکانی، امکان پذیر نبود؛ ولی دولت در تلاش بود تا با اتخاذ اقداماتی به قصد تسهیل طرح شکایت از سوی رعایا «هنر روابط عمومی» خود را حفظ کند. صندوق عدالت و مجلس تحقیق مظالم (حدود ۱۳۰۰ق/۱۸۸۲م) دو نهاد ابتکاری بودند - به ویژه نهاد دوم با توفیقی بیشتر - که امکان دسترسی مستقیم به شاه را برای رعایای ستمدیده فراهم می کردند (Sohrâbi, 1999, pp 262-263). فلور احتمال می دهد که مجلس تحقیق مظالم به فرمان شاه برای رسیدگی به عرایض صندوق عدالت تشکیل شده باشد (Floor, 1983, p122). تماس مستقیم با رعایای ستمدیده و پیشگیری از سوءبرداشت درباره شکایات آن‌ها، خواست شاه بود و پیش تر هم دادن بارعام در روزهای یکشنبه در سال ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م در همین راستا انجام شده بود؛ اقدامی که در واقع زمینه ساز تأسیس صندوق عدالت شد. براساس گزارشی واصله پس از نصب صندوق عدالت، طرح مستقیم دادخواست مردم به شاه هنگام دیدار با او در اماکن عمومی، موضوعی عادی بود. اقداماتی از این دست، تصور جامعه را از شاه به عنوان منشأ عدالت، تقویت می کرد؛ هر چند در عمل کاری بیهوده بود. گزارش یادشده بر ضرورت ممانعت از توقف موبک همایونی برای طرح عرایض تأکید می کند و چاره را ارجاع عرایض صندوق های عدالت استان‌ها به دیوان خانه عدالت در تهران می داند (ساکما، ۲۹۵/۳۶۰۲).

ناصرالدین شاه بر طرح کردن آزادانه عرایض از سوی همه رعایا به «مجلس تحقیق مظالم» (نهاد مکمل صندوق عدالت) تصریح کرده بود؛ ولی این آزادی را به مداخله نکردن در امور حکومت محدود کرده بود. برای نمونه، شاه در پاسخ به اصناف کاشان در سپاس‌گزاری از تغییر مهام السلطنه - حاکم ستمکار این ولایت - دستور داد: «جواب بنویسید: فضولی موقوف کنید، تعیین حکومت به میل رعیت نیست.» حتی هنگامی که اهالی اشرف مازندران از انتصاب حاکمشان از سوی شاه ابراز رضایت‌مندی کردند، شاه پاسخ داد: «فضولی است.» و یا هنگامی که اخباری درباره اوضاع آشفته ساوه داده شد، شاه پاسخ داد که «به تو چه ربط دارد، ولایت حاکم دارد» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، ص ۳۷۸). متن عرایض، تصویری از واقعیات آن زمان را ترسیم می کرد که خوشایند مذاق حاکمان نبود.



برای نمونه آصف الدوله، حکمران فارس با ارسال تلگرافی از شیراز به مرکز می نویسد: «امر ولایت عیب ندارد ... در کنار و گوشه ارادل و اوباش اگر حرفی بزنند یا چیزی بنویسند، چنانچه مکرر در صندوق عدالت هزار رطب و یابس می نوشتند، کدام وقت حقیقت داشته است» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶، صص ۳۷۵-۳۷۶).

بررسی اسناد نشان می دهد که شاه قاجار دست کم در مواجهه با والیان صاحب قدرت ولایات، فاقد اقتدار لازم بوده و یا با مسامحه برخورد می کرده است؛ ولی مواردی از فرمان های شاه برای رسیدگی به شکایات رعایا از صاحب منصبان دون پایه و دستور مجازات آن ها فارغ از اجرای احکام هم حاکی از آن است که برخلاف برخی نظرات در رد مطلق اقتدار ناصرالدین شاه این موضوع تا حدودی نسبی بوده است.

فرهاد میرزا معتمدالدوله در سال ۱۲۹۳ق از جانب شاه به حکومت شیراز به جای فرمانفرما منصوب شد. او دستور حکومت مرکزی مبنی بر ارسال عرایض صندوق به طهران را نپذیرفت و تلگراف زد: «اگر من حاکم باید باشم، اجرای این کار در حکومت من محال است و اگر حتماً این کار باید اجرا شود، مرا احضار کنید.» با وجود پیگیری های مرکز نشینان، فرهاد میرزا زیر بار نرفت و به بدرفتاری با رعایا ادامه داد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲، ص ۷۵). فرهاد میرزا با استبداد رأی خود، در برابر خواست مرکز نشینان مبنی بر مدارا با رعایا گردنکشی کرد و اعلام کرد که به چنین تنظیماتی نیاز نیست. او سرانجام در پاسخ به مستوفی الممالک که از جانب شاه خواهان حضور او و ریش سفیدان پای دستگاه تلگراف برای شنیدن فرمان های شاه شده بود، پاسخ داد: «من حاکم نه رئیس جمهوری!»، اگر می خواهید من حاکم باشم از این احکامات به من نفرمایید، اگر چنین باشد فوراً عازم طهران خواهم بود» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲، صص ۱۰۵-۱۰۶). به نظر می رسد که در تقابل قراردادن مقام ریاست جمهوری و حاکم توسط فرهاد میرزا نشانه آگاهی او از جایگاه و مسئولیت های این دو منصب و پاسخگویی بودن او بوده است. در ماندگی شاه و نافذ نبودن فرمان هایش تا حدودی مؤید نظر آبراهامیان است که «شاهان قاجار را مستبدان بدون ابزار استبداد» توصیف کرده است (Abrahamian, 1974, p9). از نظر آبراهامیان شاه در واقع «سایه خداوند بر روی زمین [بود] که حکمش فراتر از پایتخت نافذ نبود.» تبعیت والیان منصوب ولایات از شاه صوری و ظاهری بود؛ به نحوی که با ارسال اندک مالیاتی به حکومت مرکزی این تبعیت را ابراز می کردند (Abrahamian, 1974, pp 11 and 13). مقاومت و تندخویی فرهاد میرزا در برابر اوامر همایونی نمونه ای از موارد بسیار است. البته همان گونه که خواهد آمد شاه قاجار در همه موارد اهل اغماض و چشم پوشی نبود. به هر جهت در این میان، برخی از حکمرانان ولایات به صراحت نصب صندوق را مانعی بر سر راه اداره حکومتشان



می دانستند و گاهی به بهانه پشتیبانی صندوق از شاکیان مالیات سنگین و حمایت از الواط در تجاوز به اموال مردم، کناره گیری می کردند (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ج ۱، صص ۷۱-۷۲؛ والی زاده معجزی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۳۴).

باین حال، برخلاف برخی اظهارات که نصب صندوق را به طور کلی بی فایده می دانستند، گزارش های موجود، از رسیدگی به برخی شکایات و دستور شاه برای مجازات صاحب منصبان خطاکار هم حکایت می کند: عزل میرزا اسدالله، پیشکار عراق [اراک] در پی دستور شاه برای رسیدگی به شکایت رعایای این منطقه (ساکما، ۱۸۶۸/۲۹۵)؛ دستور شاه برای حبس دائمی شجاع الدوله، حاکم قوچان در یک قهوه خانه در پی دریافت شکایات مردم این شهر (صفایی، ۱۳۴۷، ص ۳۹)، احضار مشیرالملک به طهران به دنبال شکایت مردم فارس به مرکز از دست میرزا محمدعلی جهرمی از بستگان مشیرالملک؛ شکایت های مردم جهرم و صدور فرمان عزل حاکم کازرون توسط شاه در پی طرح شکایت از طریق صندوق عدالت و فرار او به شیراز (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲، صص ۲۵-۲۶)؛ درخواست مردم اصطهبانات و نیریز از شاه برای دادن تخفیف مالیاتی؛ شکایت تلگرافی مردم بندرعباس از سخت گیری های مالیاتی حاکم این شهر؛ تلگراف شاکیان فیروزآبادی از زورگویی های ایل خان و غضب اموالشان و دستور تلگرافی شاه مبنی بر انفصال دائم او از خدمت (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲، صص ۲۷، ۳۱-۳۲) از آن جمله اند.

همچنین نامه فردی ناشناس در شماره دویست و چهلم روزنامه ایران به تاریخ ۱۸ ذی قعدة الحرام ۱۲۹۱ ق/ ۲۸ دسامبر ۱۸۷۴ م، از تغییر در وضعیت مردم به ویژه از زمان نصب صندوق عدالت در ولایات و دسترسی آسان مردم به صندوق ها برای طرح عرایضشان حکایت می کند؛ ولی این فرد ناشناس در ادامه می نویسد که حاکمان برخی از ولایات با کمک برخی از نزدیکانشان با طرح شایعاتی مبنی بر تنبیه عارضان در صورت طرح عریضه برضد حاکمان، فضای رعب آمیزی ایجاد کرده اند. بنابه ادعای او، اخبار این اقدامات توسط خبرنگارین های حکومت به مرکز رسیده است و از قرار معلوم برخی از حکام از جمله حاکمان «نهبان» کرمان شهبان، کردستان و غیره» برکنار شده اند و امور صندوق نظم یافته است. این فرد پیشنهاد می کند در صورتی که حکومت مرکزی برای اجرای حکم صادره برای عرایض، مأموران امینی در شهرها تعیین کند تا نتایج را به مرکز گزارش دهند، بسیار سودمند خواهد بود (روزنامه ایران، ش ۲۴۰، دوشنبه ۱۸ ذی قعدة الحرام ۱۲۹۱ ق).

از یک سو مردم عادی از طرح نظر و انتقاد از طریق صندوق عدالت بی بهره بودند و از سوی دیگر، این نهاد به ابزاری در جهت پیش برد منافع صاحب منصبان، از جمله کسب قدرت و تخریب رقبای خود تبدیل شده بود. حاجب الدوله، مسئول وقت صندوق



عرایض با اشاره به اهمیت صندوق، آن را وسیله‌ای برای آگاهی شاه از تمام جزئیات امور مملکت از جمله بدرفتاری حاکمان با زیردستان و با فرماندهان با سربازان می‌داند (ساکما، ۲۹۵/۵۳۰۳، ص ۳). به همین علت مقام‌های محلی با آگاهی از مقاصد اصلاحی شاه از جمله مسئولیت‌پذیر کردن آن‌ها، از همان آغاز با توسل به شیوه‌های گوناگون تلاش خود را برای تأثیرگذاری بر صندوق به کار گرفتند. گزارش صنایع‌الملک از تلاش اعتمادالسلطنه برای قرارگرفتنش در فرایند رسیدگی به عرایض و آگاهی یافتن از متن آن‌ها به بهانه امکان وجود مطالب سری از حوزه نظامی یا مالی در آن‌ها، از جمله این اقدامات است (ساکما، ۲۹۵/۵۱۳۵، ۲۹۵/۵۱۴۰).

حاجب‌الدوله با تعریف و تمجید از شاه مطابق رسم مألوف^۱، با اشاره به حُسن اعتماد شاه به او و بیان سوابق خدمت خود، خواهان تصدی صندوق عدالت به‌عنوان بخشی از وزارت عدلیه و برخورداری از امتیازات مالی هم‌پایه هم‌ترازان خود شد (ساکما، ۲۹۵/۵۳۰۳، ص ۱). او همچنین در گزارشی دیگر به شاه، از حسادت برخی افراد به‌ویژه نزدیکان شاه به میزان اقتدار و استقلال او در ریاست صندوق عدالت و توطئه آن‌ها برای ناکام‌گذاردن فعالیت صندوق اشاره می‌کند. او به‌طور خاص از دبیرالملک نام می‌برد که به دلیل ممانعت او نتوانسته بود مبلغ دویست تومان مواجهی را عملی سازد که برای خود و منشیان^۲ در نظر گرفته بود؛ بنابراین به کارشکنی اقدام کرده‌است (ساکما، ۲۹۵/۵۳۰۳، ص ۲). اختلاف میان میرزاموسی (وزیر طهران) و اعتمادالسلطنه (رئیس دیوان‌خانه) موجب سعایت و بدگویی آن‌ها از یکدیگر نزد شاه می‌شود. میرزاموسی، اعتمادالسلطنه را متهم می‌کند که با سوءاستفاده از اختیاراتش در صندوق عدالت و با کمک برخی از زنان محله سنگلج عریضه‌ای طرح کرده و در آن میرزاموسی را متهم به کتک‌زدن فرّاش و خدمتکار حکومت کرده‌است. از قرار معلوم این دو نفر بر سر تعویض کدخدای محله سنگلج تهران (عزل حاجی کاظم و نصب رمضان‌خان) اختلاف داشته‌اند. میرزاموسی ادعا می‌کند که اعتمادالسلطنه قصد دارد تا تهران را به منصب دیوان‌خانه مُنصَم^۳ کند (ساکما، ۲۹۵/۱۹۴۶). اعتمادالسلطنه نیز ضمن تأکید بر رسیدگی و پاسخگویی سریع برخی مقامات همچون مستوفی‌الممالک، وزیر خارجه و اعتضادالسلطنه، از مسامحه‌کاری وزیر دارالخلافه می‌نویسد و از عمل کردن او به اقتضای رأی خویش برخلاف تأکیدات بسیار مقام‌های مربوطه، به شاه شکایت می‌کند (ساکما، ۲۹۵/۱۹۷۱). در ادامه مشاجرات، میرزاموسی، وزیر طهران، از مداخله اعتمادالسلطنه در عزل و نصب کدخدایان تهران با ترغیب افراد ناشناس به انداختن عریضه در صندوق، شکایت از مأموران حکومتی همچون کلانتر، و یا تحریض^۴ ارامنه برضد کدخدای محله خود (ابوالقاسم خان کدخدا)، شکایت می‌کند

۱. مألوف /ma'luf/؛ آشنا؛ معمول؛ عادی.

۲. منشیان دبیرالملک که زیرنظر او متولی ثبت کتابچه عرایض بودند.

۳. منضم /monzam[m]/؛ ضمیمه؛ ملحق؛ اضافه.

۴. تحریض /tahriz/؛ برانگیختن؛ به شوق آوردن؛ بر سر میل و رغبت آوردن؛ وادار کردن؛ تحریک؛ تشویق؛ ترغیب.



(ساکما، ۲۹۵/۵۳۴۱). حاجب‌الدوله هم در پاسخ به فرمان شفاهی شاه مبنی بر توضیح وزیر طهران دربارهٔ عرایض واصله برضد کدخدا ابوالقاسم خان نوشت که هر دو [میرزاموسی (وزیر طهران) و ابوالقاسم خان کدخدا] به این درخواست بی‌توجهی کرده‌اند و خواستار حکم رسمی شاه دربارهٔ احضار آنها شد (ساکما، ۲۹۵/۵۳۴۲، ص ۱).

تداوم عریضه‌نویسی تا شکل‌گیری پارلمان

صندوق عرایض در ایران از زمان تأسیس و نصب تا هنگام الغاء و گذار به عصری نو، با فراز و فرودهایی همراه بود؛ ولی به‌کارگیری صندوق فارغ از کارآمدی یا ناکارآمدی آن، با موضوع پذیرش نهادهای مدرن - و در اینجا، نهاد پارلمان - نیز مرتبط است. صندوق عدالت به‌عنوان رسمی رایج در دوران پیشامدرن، از یک سو نتیجهٔ تداوم پارادایم غالب عدالت تا به عصر مدرن است و از سوی دیگر، روان‌شدن سیل عرایض بی‌پاسخ پس از تأسیس صندوق به‌سوی پارلمان، در عمل به مانعی در برابر کارایی این نهاد مدرن تبدیل شد. این گفتمان سنتی دربارهٔ سلطنت ایرانی - اسلامی و حکومت شاه عادل همان‌گونه که در بسیاری از اندرزنامه‌های اسلامی بیان شده است، در دوران انقلاب مشروطه نیز همچنان پابرجا بود. طبق این گفتمان، حکومت دنیوی ذیل حاکمیت خداوند و حاکم به‌عنوان «سایهٔ خداوند بر زمین» رواج یافته بود. حاکم پیش از رسیدن به این مرتبه می‌بایست واجد ویژگی‌های خاصی می‌شد که از مهم‌ترین آنها اتصاف به صفت عدالت بود (Sohrabi, 1999, as cited in Schneider, 2006, pp 30-31). سهرابی با توسل به بحث سنتی «چرخهٔ عدالت» - که در آن شاه در رأس سایر طبقات جامعه قرار دارد - معتقد است که الگوهای حاکم در دورهٔ قاجار همچنان شاه را منشأ عدالت و حافظ آرامش و امنیت می‌دانند و شاه تنها از طریق ایجاد توازن میان طبقات و برقراری ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با فرودستان بود که می‌توانست این وظیفه را انجام دهد (Sohrabi, 1999, pp 256-257).

انگیزهٔ اصلی بیشتر مردم در آغاز جنبش مشروطه، عدالت‌خواهی به‌دلیل خستگی از ظلم و استبداد بود (روحانی، ۱۳۸۳، ص ۸۹) و مردم از همان ابتدا خواهان تأسیس «عدالت‌خانه» به‌جای پارلمان یا مجلس شورای ملی بودند (Ettehadieh, 1989, p51). درحالی‌که روشنفکران به‌دنبال اقتباس نهاد پارلمان از غرب بودند، بیشتر مردم در پی تأسیس عدالت‌خانه بودند. از همین رو، در جریان استقرار مشروطه و پارلمان، نخبگان غرب‌گرا با اکثر اصناف و روحانیون اختلاف داشتند. اکثریت مردم (به‌جز نخبگان غرب‌گرا) در پی احیای نهادی بودند که بر مبنای گفتمان داخلی سلطنت و عدالت به تظلمات عامه رسیدگی کند و این تقاضا را در تأسیس عدالت‌خانه به‌جای پارلمان به نمایش گذاشتند (کسروی،



۱۳۲۴، صص ۱۷-۱۸). نظام پارلمانی در ایران، نه براساس خواست اکثریت مردم و نه مطابق با سنت جاری، بلکه با اقتباس از غرب تأسیس شد.

مظفرالدین شاه، جانشین ناصرالدین شاه، مخالف هرگونه اصلاحاتی بود که به استقرار نظامی مشروطه منجر شود. با وجود این، بیشتر مردم با «سادگی» او را قربانی فساد اطرافیان و وزرا و اعمال ظالمانه آن‌ها می‌پنداشتند. از این رو، جامعه وفادار به شاه قاجار، با دستاویز قراردادن فرهنگ سیاسی و گفتمان بومی سلطنت و عدالت، برضد دولت منصوب شاه شورش کرد (Sohrabi, 1999, pp 253-254).

نهاد سنتی «مجلس تحقیق مظالم» - که به دستور ناصرالدین شاه پس از صندوق عدالت تشکیل شده بود - در امتداد صندوق و چارچوب معدلت پناهی قرار داشت. در تداوم این مسیر، مشروطه‌طلبان خواستار تأسیس «عدالت‌خانه» بودند که با چارچوب بومی عدالت بیشتر همخوانی داشت. بیشتر انقلابیون به جای مفاهیم غربی مشروطه، در پی استقرار نسخه داخلی آن بودند؛ از این رو آن‌ها با این دیدگاه که پارلمان (مجلس شورای ملی) همان عدالت‌خانه است، سیل عرایض خود را روانه مجلس کردند. هدف سنت‌گرایان از ارسال عریضه به مجلس، برقراری ارتباط مستقیم با «منشأ عدالت» بود؛ ولی نماینده‌ای نوگرا این اقدام را اتلاف وقت گران‌بهای مجلس می‌دانست و خواستار خودداری مردم از این کار بود (Sohrabi, 1999, pp 265-266). در واقع پس از استقرار مشروطه، مجلس به جای نهاد قانون‌گذار به جایگاه رسیدگی به عرایض تبدیل شد (شوهانی، ۱۳۸۹، ص ۶۵).

پس از مشروطه، نگاه بیشتر شرکت‌کنندگان در این جنبش به فرهنگ سیاسی، همان چیزی بود که در «الگوها» عرضه شده بود. چرخه عدالت نیز اختراع فرودستان نبود، بلکه ایدئولوژی حاکمیت و در واقع اسطوره‌ای رسمی بود (Sohrabi, 1999, pp 270 & 272). شاه قاجار نیز آگاهانه از این ایدئولوژی رسمی برای حفظ مشروعیت کاریزماتیک خود بهره می‌گرفت و به هنگام بحران، صدراعظم‌ها و وزرا را عامل مشکلات معرفی می‌کرد (Sohrabi, 1999, p258)؛ ولی در نهایت مردم با سرازیر کردن عرایضشان به مجلس، اقتدار شاه قاجار را به چالش کشیدند. هرچند که شاه با آگاهی از این موضوع، به اقداماتی ناموفق دست زد؛ ولی در نهایت در ذهن عامه، مجلس جایگزین شاه به عنوان «منشأ عدالت» شد و این بازتولید به دگردیسی‌ای فرهنگی ختم شد (Sohrabi, 1999, p284).

جمع‌بندی

در اصل، پیدایش وضعیت بحرانی در کشور موجب به‌کارگیری صندوق عرایض به عنوان سویایی برای فرونشاندن نارضایتی‌های عمومی شده بود. این نهاد ابزاری برای شاه برای



کسب مشروعیت و مقبولیت مردمی و نمادی از دادگستری بود و می‌توانست چاره‌ای مناسب برای برقراری عدالت باشد. به نظر می‌رسد که هدف اصلی ناصرالدین‌شاه از تأسیس این صندوق، بر کارکرد و جهت‌گیری این نهاد تأثیرگذار بوده‌است. دادستانی از طریق ارتباط بی‌واسطه با رعایا از طریق روش‌هایی غیر از صندوق عدالت هم، پیشینه‌ای تاریخی دارد. با توجه به اهمیت مفهوم عدالت - به عنوان یکی از مسئولیت‌های اساسی در نظریه پادشاهی ایرانی اسلامی - شاهان و حاکمان ایران از جمله ناصرالدین‌شاه در تأسیس نهادها و استفاده از ابزارهای گوناگون برای رسیدگی به دادخواهی ستمدیدگان تلاش‌های ویژه‌ای را به کار می‌بستند. به دنبال مجموعه‌ای از اصلاحات در نظام قضایی در دوران صدارت میرزاتقی‌خان امیرکبیر و پس از او و در ادامه در دوره میرزا حسین‌خان سپهسالار، و همچنین تأسیس دیوان‌خانه عدلیه و در نهایت مسکوت‌ماندن آن به دلیل مخالفت حاکمان محلی مبنی بر اخلاص در حوزه حکومتی آن‌ها (Bakhāsh, 1978, p84) شاه تصمیم گرفت تا با الگوگیری از بارعام شاهان ساسانی و «دیوان مظالم» عصر اسلامی، شخصاً به شکایت رعایا رسیدگی کند (امین، ۱۳۸۲، ص ۵۵؛ محیط طباطبایی، ۱۳۴۶، ص ۴۴). شاه طی فرمانی در سال ۱۲۷۷ق/۱۸۶۰م روزهای یکشنبه را به این موضوع اختصاص داد که در واقع مقدمه‌ای برای تأسیس صندوق عدالت بود (مستوفی، ۱۳۴۳، ج ۱، صص ۹۲-۹۳).

جدای از ویژگی‌های شه‌پدیری (پاتریمونیالی) ناصرالدین‌شاه که با دستگاه سیاست به عنوان موضوعی شخصی برخورد می‌کرد و قدرت سیاسی را ملک شخصی خود می‌دانست (Weber, 1978, vol. 2, pp 1028-1029)، نبود عزم و اراده جدی در او به ویژه در برابر سرکشی والیان متنفذ، و وقوف او به رسم معدلت‌پناهی شاهان ایرانی و تأکیدش بر وجه نمادین استفاده ابزاری از آن به عنوان عنصری مشروعیت‌بخش سبب شد تا این صندوق از سطح ابتکاری، شکلی در سنت دیرینه ارتباط‌گیری بی‌واسطه شاهان با رعایا فراتر نرود. اگر شاه در اجرای عدالت و رسیدگی بدون تبعیض به مظالم والیان منصوب و دیگر صاحب‌منصبان عزم و اراده‌ای جدی نشان می‌داد، می‌توانست با روزآمد کردن و در نتیجه کارآمد کردن نهادها و وزارتخانه‌های مسئول، زمینه تدریجی گذار به عصر مدرن را فراهم کند. شاه برای ایجاد تسهیل در دسترسی بی‌واسطه عارضان به شخص خودش - به عنوان منشأ عدالت - دست‌کم سه شکل از نظام دادخواست مستقیم از جمله صندوق عریض را متناسب با مقتضیات زمان طراحی کرده بود. در صورت اجرای کامل و درست این اقدامات توسط شاه و تداوم آن در زمان اخلاص، ورود به دوران مدرن و پذیرش نهادهای جدید تسهیل می‌شد؛ ولی عملکرد ناقص صندوق عدالت، مجلس تحقیق مظالم، و دیگر نهادها و وزارتخانه‌های همسوی پس از آن باعث معطل ماندن دادخواهی‌های به حق



مردم، و روانه شدن سیل عرایض مردم به طرف نهاد مدرنی همچون پارلمان - به دلیل سوءبرداشت مردم از عملکرد پارلمان - و سرانجام ایجاد اختلال در کار پارلمان شد. ناصرالدین شاه در راستای ادای تکلیف سلطنت و کاستن از نارضایتی‌ها تلاش‌هایی را از طریق صندوق عدالت انجام داد؛ ولی به نظر می‌رسد که در نظر او وجه نمادین عدالت‌پروری به عنوان یکی از صفات اصلی شاه ایرانی، و تأمین مشروعیت با توسل به نهادهایی که دست‌کم به شکل صوری و اسمی متضمن عدالت بودند، در اولویت بوده است.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، اسناد شماره: ۲۹۵/۱۷۸۹، ۲۹۵/۱۸۶۸، ۲۹۵/۱۹۲۹، ۲۹۵/۱۹۴۶، ۲۹۵/۱۹۷۱، ۲۹۵/۳۶۰۲، ۲۹۵/۵۱۳۵، ۲۹۵/۵۱۳۹، ۲۹۵/۵۱۴۰، ۲۹۵/۵۱۶۹، ۲۹۵/۵۳۰۳، ۲۹۵/۵۳۴۱، ۲۹۵/۵۳۴۲، ۲۹۵/۵۳۷۳، ۲۹۶/۴۶۶.

کتاب

آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما. (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار*. تهران: انتشارات آگاه.

اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۲۹۵ق). *مرآت البلدان ناصری*. (ج ۳). چاپ سنگی. بی‌جا: بی‌تا.

اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۰۰ق). *تاریخ منتظم ناصری*. (ج ۳). چاپ سنگی. بی‌جا: بی‌تا.

اعتماد السلطنه، محمدحسن خان. (بی‌تا). *المآثر والآثار*. بی‌جا: کتابخانه سنائی.

دامغانی، محمدتقی. (۱۳۵۷). *صدسال پیش ازین: مقدمه‌ای بر تاریخ حقوق جدید ایران*. تهران: شب‌گیر.

فلور، ویلم؛ بنانی، امین. (۱۳۸۸). *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی*. (دکتر حسن زندیه، مترجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کیا، ایرج. (۱۳۷۶). *مروری بر تاریخ پست ایران*. (ج ۱). تهران: انتشارات نگین.

کسروی، احمد. (۱۳۲۴). *مشروطه بهترین شکل حکومت و آخرین نتیجه اندیشه نژاد آدمی است*. (محمدعلی پایدار، گردآورنده). بی‌جا: بی‌تا.

مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۳). *شرح زندگانی من یا تاریخ اداری و اجتماعی دوره قاجاریه*. (ج ۱). (ج ۲). تهران: چاپ زوار.

نظام السلطنه مافی، حسین قلی. (۱۳۶۲). *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی*. (ج ۱). (معصومه مافی، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان و حمید رام‌پیشه، کوشش گران). تهران: نشر تاریخ ایران.



- والی زاده معجزی، محمدرضا. (۱۳۸۰). *تاریخ لرستان: روزگار قاجار: از تأسیس تا کودتای ۱۲۹۹ ش.* (ج ۱). تهران: حروفیه.
- ورهرام، غلامرضا. (۱۳۸۵). *نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار*. تهران: معین.
- وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری*. (۱۳۶۲). (علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، کوشش گر). تهران: انتشارات نوین.
- هدایت، مهدی‌قلی. (۱۳۶۳). *خطرات و خطرات: توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه‌ای از دوره زندگی من*. (ج ۴). تهران: چاپ گلشن.

مقاله

- امین، سیدحسن. (۱۳۸۲). «نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطیت». فصل‌نامه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹، صص ۲۹-۷۲.
- روحانی، علی‌رضا. (۱۳۸۳). «مفهوم‌شناسی «عدالت‌خانه»، «مشروطه» و «مشروطه مشروعه»». ماه‌نامه معرفت، شماره ۸۶، صص ۸۹-۹۷.
- شوهانی، سیاوش. (۱۳۸۹). «عرایض؛ رهیافتی به تاریخ فرودستان (بررسی اسناد عرایض مجلس شورای ملی)». *گنجینه اسناد*، شماره ۷۹، صص ۴۲-۷۹.
- صفایی، ابراهیم. (۱۳۴۷). «صندوق عرایض». *نگین*، شماره ۴۲، صص ۳۹-۴۰، ۳۰ آبان ۱۳۴۷.
- طلایی، زهرا. (۱۳۸۳). «بررسی و معرفی نسخه خطی (مجموعه اسناد): سواد کتابچه شکایت‌ها و عرض حال سال ۹۱-۱۲۹۲ ق». *گنجینه اسناد*، شماره ۵۶، زمستان ۱۳۸۳، صص ۳۹-۴۳.
- محیط طباطبایی، محمد. (دی ۱۳۴۶). «دادگستری در ایران از انقراض ساسانی تا ابتدای مشروطیت (۸)». ماه‌نامه وحید، شماره ۴۹.
- مدرس طباطبایی، حسین. (خرداد ۱۳۵۳). «نامه‌ای از حاج ملا محمدصادق قمی به ناصرالدین‌شاه در شکوه از مظالم عمال دولت». *وحید*، شماره ۱۲۶، صص ۲۱۱-۲۱۹.
- هاشمیان، مژگان. (پاییز و زمستان ۱۳۷۶). «دیوان مظالم و صندوق عدالت در عصر ناصری». *تاریخ و فرهنگ معاصر*، جلد ۲۳-۲۴.

روزنامه

- روزنامه *ایران*، ش ۲۴۰، (دوشنبه ۱۸ ذی‌قعدة الحرام ۱۲۹۱ ق).
- روزنامه *ایران*، ش ۲۴۳، (یکشنبه ۱۵ ذی‌حجة الحرام ۱۲۹۱ ق).
- روزنامه *دولت علیّه ایران*، شماره ۵۶۲، (۱۲۸۱ ق).
- روزنامه *وقایع اتفاقیه*، (ربیع‌الاول ۱۲۹۱ ق).



منابع لاتین

کتاب

- Bakhâsh, Shâul. (1978). *Iran: Monarchy, Bureaucracy and Reform under the Qajar: 1858-1898*. London: Ithaca Press.
- Curzon, George N. (1892). *Persia and the Persian Question*. (Vol.1). London: Longmans, Green and Co.
- Schneider, Irene. (2006). *The Petitioning System in Iran: State, Society and Power Relations in the late 19th century*. Wiesbaden: Harrassowitz.
- So, Alvin Y. (1990). *Social Change and Development: Modernization, Dependency, and World-System Theories*. London: Sage Publications.
- Weber, Max. (1978). *Economy and Society: an outline of interpretive sociology*. (Vol. 2). Berkley, Los Angeles and London: University of California Press.

مقاله و مجموعه مقاله

- Abrahamian, Ervand. (1974). "Oriental Despotism: The Case of Qajar Iran". *International Journal of Middle East Studies*, 5(1): pp 3-31.
- Ettehadieh (Nezam-Mafi), Mansoureh. (1989). "The council for the Investigation of grievances: A Case Study of Nineteenth Century Iranian Social History". In *Iranian Studies*, 22(1): PP 51-56.
- Floor, Willem. (1983). "Change and Development in the Judicial System of Qajar Iran (1800-1925)". In *Qajar Iran: political, Social and Cultural Change 1800-1925*, edited by Clifford Edmund Bosworth and Carole Hillenbrand. Edinburgh University Press.
- Sohrabi, Nader. (1999). "Revolution and State Culture: The Circle of Justice and Constitutionalism in 19th Century Iran." In *State/ Culture: State-formation After the Cultural Turn*. Edited by George Steinmetz. Ithaca, United States: Cornell University Press, PP 253-288.



Resource English translation

- Abrahamian, Ervand. (1974). "Oriental Despotism: The Case of Qajar Iran". *International Journal of Middle East Studies*, 5(1): pp 3-31.
- Adamiyat, Fereydun. (1356/1977). *Afkār-e 'ejtemā'i va siyāsi va 'eqtesādi dar āsār-e montašer našode-ye do[w]rān-e Qājār* (Social, political and economical thoughts in unpublished works in the Qājār period). Tehran: 'Entešārāt-e Āgāh.
- Amin, Hasan. (1382/2004). "Nezām qazā'i-ye Irān az āqāz tā 'enqelāb-e mašrutiyat (Iranian judicial system from the beginning of the Qajar to Constitutional Revolution)". *Fasl-nāme-ye pažuheš-e Hoquq va siyāsat* (Law & politics research journal). 9, pp. 29-72.
- Bakhāsh, Shāul. (1978). *Iran: Monarchy, Bureaucracy and Reform under the Qajar: 1858-1898*. London: Ithaca Press.
- Curzon, George N. (1892). *Persia and the Persian Question*. (Vol.1). London: Longmans, Green and Co.
- Damghani, Mohammad Taghi. (1357/1978). *Sad sāl piš az in: moqaddame'i bar tārix-e hoquq-e jaded-e Irān* (A hundred years ago: an introduction to history of the modern law of Iran). Tehran: Šabgir.
- Dolat-e Allīye-ye Irān newspaper*: 1281, no. 562.
- Etemadossaltaneh, Mohammad Hassan Khan. (n.d.). *Al-ma'āser va-al-āsār*. s.l.: Ketābxāne-ye Sanā'ī.
- Etemadossaltaneh, Mohammad Hassan Khan. (1295 h.q./1878). *Merāt-ol-boldān-e Nāseri*. (vol. 3). Lithography. s.l.: s.n.
- Etemadossaltaneh, Mohammad Hassan Khan. (1300/1921). *Tārix-e montazam-e Nāseri* (Naseri regular history). (vol. 3). Lithography. s.l.: s.n.
- Ettehadieh (Nezam-Mafi), Mansoureh. (1989). "The council for the Investigation of grievances: A Case Study of Nineteenth Century Iranian Social History". In *Iranian Studies*, 22(1): PP 51-56.
- Floor, Willem. (1983). "Change and Development in the Judicial System of Qajar Iran



- (1800-1925)". In *Qajar Iran: political, Social and Cultural Change 1800-1925*. edited by Clifford Edmund Bosworth and Carole Hillenbrand. Edinburgh University Press.
- Floor, Willem; Banani, Amin. (1388/2009). *Nezām-e qazā'i-ye asr-e Qājār va Pahlavi* (Juridical systems of the Qājār and the Pahlavi period). Translated by Hasan Zandiyeh. Qom: Pažukegāh-e Hoze va Dānešgāh.
- Hashemian, Mojgan. (1376/1997). "Divān-e mazālem va sandoq-e 'edālat dar asr-e Nāseri (Misdeed court and justice box in the Naseri period)". *Tārix va farhang-e moā'ser*. (23-24).
- Hedayat, Haj Mehdi Gholi. (1363/1984). *Xāterāt va xatarāt: tuše'i az tārix-e šeš pādešāh va guše'i az do[w]re-ye zendegi-ye man* (memoirs and risks: a provision of history of six kings and a bit of my life). Tehran: Čāp-e Golšan.
- Iran newspaper*: Monday, 18 Ziqāde 1291, no.240; Sunday, 15 Zihajje 1291, no. 243.
- Kasravi, Ahmad. (1324/1945). *Mašrute behtarīn šekl-e hokumat va āxarin natije-ye andiše-ye neżād ādami ast* (The constitutional government is the best form of government and the last result of human's thought). Gathered by Mohammad Ali Paydar. s.l.: s.n.
- Kia, Iraj. (1376/1997). *Moruri bar tārix-e post-e Irān* (A review of history of post of Iran). Tehran: 'Entešārāt-e Negin.
- Modarres Tabatabaee, Hossein. (1353/1975). "Nāme'i az Hāj Mollā Mohammad Sādeq Qomi be Nāser el-Din Šāh dar šekve- az mazālem-e 'ommal-e do[w]lat (A letter from Hāj Mollā Mohammad Sādeq Qomi to Nāser el-Din Šāh about the cruelty of the government agents)". *Vahid monthly journal*. 126, pp. 211-219.
- Mohit Tabatabaee, Mohammad. (1346/1967). "Dād-gostari dar Irān az 'enqerāz-e Sāsāni tā 'ebtedā-ye mašrutiyat (the local department of justice in Iran from the fall of the Sasanian until the beginning of constitutionality)". *Vahid monthly journal*, 46.
- Mostofi, Abdollah. (1343/1964). *Šarh-e zendegāni-ye man ya tārix-e 'edāri va 'ejtemā'i-ye do[w]re-ye Qājār* (My autobiography or official and social history of the Qājār



period). (vol.1). Tehran: Čāp-e Zavār.

Nezam Alsaltane Mafi, Hossein Gholi. (1362/1989). *Xāterāt va asnād-e Hoseyn Qoli*

Xān Nezām-ol-Saltane-ye Māfi (Hossein Gholi Nezam Alsaltane Mafi's Memoirs and documents). (vol.1). Edited by Masoomeh Mafi, Mansooreh Etehadiye (Nezam Mafi), Sirous Saadvandian and Hamid Rampisheh. Tehran: Našr-e Tārix-e Irān.

Rohani, Alireza. (1383/2005). "Maḥfum-šenāsi-ye 'edālat-xāne', 'mašrute', and 'mašrute-ye mašru'e' (conceptualization of 'edālat-xāne', 'constitutional', and 'constitutional in accordance with šari'a')". *Māh-nāme-ye ma'refat* (Ma'refat monthly journal). 86, pp. 89-97.

Safaei, Ebrahim. (1347/1968). "Sandoq-e 'arāyez (The box of petitions)". *Negin*, 30 Ābān 1347, no. 42, pp. 39-40.

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran), doc. no.: 295/1789, 295/1868, 295/1929, 295/1946, 295/1971, 295/3602, 295/5135, 295/5139, 295/5140, 295/5169, 295/5303, 295/5341, 295/5342, 295/5373, 296/466.

Schneider, Irene. (2006). *The Petitioning System in Iran: State, Society and Power Relations in the late 19th century*. Wiesbaden: Harrassowitz.

Shohani, Siavash. (1389/2010). "'Arāyez; rahyāfti be tārix-e forudstān: Barresi-ye asnād-e 'arāyez-e majles-e šorāy-e melli (Petitions; an approach to the history of lower classes: a study on the petition records in the National Consultative Assembly)". *Ganjine-ye asnād*. 79, pp. 42-79.

So, Alvin Y. (1990). *Social Change and Development: Modernization, Dependency, and World-System Theories*. London: Sage Publications.

Sohrabi, Nader. (1999). "Revolution and State Culture: The Circle of Justice and Constitutionalism in 19th Century Iran." In *State/ Culture: State-formation After the Cultural Turn*. Edited by George Steinmetz. Ithaca, United States: Cornell University Press, PP 253-288.

Talaei, Zahra. (1383/2005). "Barresi va mo'arefi-ye nosxe-ye xati (majmu'e-ye asnād): savād-e ketābče-ye šekāyat-hā va 'arz-e hāl-e sāl-e 1291-1292 Q (A survey and



- introduction of some manuscripts (records collection) of complaints and petitions booklet's copy 1874-1875)". *Ganjine-ye asnād*. 56, pp. 39-43.
- Valizadeh Mojezi, Mohammad Reza. (1380/2001). *Tārix-e Lorestān: Ruzegār-e Qājār: az ta'sis tā kudetā-ye 1299 Š* (History of Lorestan: the Qājār period from the beginning till the coup 1920). (vol.1). Tehran: Horufiye.
- Vaqāye'-e 'ettefāqiye: majmu'è-ye gozāreš-hā-ye xofiye-nevisan-e 'Englis dar velāyāt-e jonubi-ye Irān az sāl-e 1291 ta 1322 qamari* (Vaqāye'-e 'ettefāqiye: a collection of the secret reports that were by English writers in southern Iran provinces from 1874 until 1904). (1362/1983). Edited by Ali Akbar Saeedi Sirjani. Tehran: 'Entešarāt-e Novin.
- Vaqāye'-e 'ettefāqiye newspaper*: Rabi'ol'aval 1291.
- Varhram, Gholam Reza. (1385/2007). *Nezām-e siyāsi va sāzmān-hā-ye 'ejtemā'i-ye Irān dar asr-e Qājār*(Political system and social organizations of Iran during the Qājār period) . Tehran: Mo'in.
- Weber, Max. (1978). *Economy and Society: an outline of interpretive sociology*. (Vol. 2). Berkley, Los Angeles and London: University of California Press.